

بررسی نقش رویدادها بر پدیداری حدیث؛ مطالعه موردی: فتوحات صدر اسلام و روایت «أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ...»

علی حسن بیگی؛* فاطمه دسترنج؛** فاطمه احمدی***

چکیده

فتوحات صدر اسلام از جمله رویدادهای مهمی تلقی می‌شود که پیامدهای ناشی از آن، آثار مهمی را بر حیات مادی و معنوی مسلمانان بر جای نهاده است. از سوی دیگر، تأثیرات این رویداد عظیم بر حوزه حدیث را نمی‌توان کتمان نمود؛ لذا پژوهش حاضر با نظر به فضای حاکم بر فتوحات به دنبال بررسی این پرسش است که اثربخشی اقدامات خلفا به‌مثابه رخدادهای مؤثر در تاریخ حکومت اسلامی، بر حوزه حدیث به چه میزان بوده و فتوحات نیز در پیدایش روایت مزبور، چه نقشی را ایفا نموده است؟ گفتنی است سیر تاریخی تألیفات پیرامون فتوحات، گواه از اهتمام فراوانی دارد که بدان مبذول داشته‌اند؛ لکن فقدان مطالعات حدیثی در باب خاستگاه روایت، ضرورت پرداخت بدان را آشکار می‌سازد. از این روی، در این نوشتار سعی شده است با پاسخ به سؤال فوق مبنی بر تأثیرات فتوحات بر زمینه‌های پیدایش روایت، قدری از کاستی‌های موجود برطرف گردد. باید گفت این پژوهش، با اتخاذ رویکردی نظری و بهره‌وری از شیوه توصیفی-تحلیلی بدین رهیافت نائل آمد که نظریه عدالت اصحاب به‌مثابه نمونه‌ای از باور کلامی اهل سنت، موضوعی است که به‌موجب آن گستره روایات مجعول و یا همانندسازی شده را می‌توان شاهد بود. به بیان دیگر، تأثیر رویدادها و باورهای کلامی بر حوزه تأثرات قابل کتمان نبوده و

* دانشیار، عضو هیئت علمی گروه الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. a-hasanbagi@araku.ac.ir

** دانشیار، عضو هیئت علمی گروه الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. f-dastranj@araku.ac.ir

*** نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک، اراک، ایران. ahmadi.fateme2030@gmail.com

آثار آن‌ها بر همانندسازی روایات با ذکر مصادیقی چند تبیین گردید. شبیه‌سازی جنگ‌های پیامبر(ص) و خلفا از سوی نسل‌های پس از صحابه، در راستای توجیه فتوحات به‌عنوان مصداقی از جنگ‌های ابتدایی و نیز تقویت نظریه «عدالت اصحاب»، زمینه‌های پیدایش روایت را بیش‌ازپیش فراهم نموده است. واژگان کلیدی: فتوحات صدر اسلام، روایت «أمرتُ أن أُقاتِلَ النَّاسَ...»، عدالت صحابه، همانندسازی، توجیه‌گرایی.

بیان مسأله

با رحلت پیامبر اکرم(ص) مسند حکومت در اختیار ابوبکر قرار گرفت. وی پس از سرکوبی مرتدان، سپاه اسلام را به‌سوی مرزهای دو امپراطوری بزرگ ایران و روم گسیل داشت. امتداد اقدامات ابوبکر را می‌توان در عصر زمامداری ۲۲ ساله عمر بن خطاب و عثمان بن عفان دنبال نمود. این جنگ‌ها که از آن با نام «فتوحات» یاد می‌شود موجب شد تا ایران و بخشی از روم فتح گشته و از این طریق بر پهنه قلمرو حکومت اسلامی نیز، افزون گردد. از این روی، رخداد فتوحات به سبب ایجاد تحولاتی در زندگانی دنیوی و اخروی جامعه اسلام، از جمله مهم‌ترین رویدادهای ثبت شده در تاریخ حکومت خلفای اولیه به شمار می‌رود. بعضاً بسط توحید را مهم‌ترین پیامدهای حاصل از آن دانسته و در مقابل گروهی نیز، به سبب فجایع رخ داده، آن را نکوهیده‌اند (حسن‌بگی؛ مهدوی‌فرد، ۱۳۹۷: ۵۰). باید گفت، از آنجا که این اقدامات از سوی صحابه پیامبر(ص) سازمان‌دهی می‌شد، بر توجیحات دینی نیز محتاج بود؛ لذا نقل احادیث از سوی بنیان‌گذار اسلام، از جمله مهم‌ترین راه‌های موجه نمایاندن فتوحات تلقی می‌شود.

گزارش‌های ثبت شده در منابع تاریخی از رویداد مذکور به انضمام برداشت‌های ناصواب از گستره آیات جهاد، روایات و سیره نبوی در باب موضوع جهاد در اسلام، عده‌ای را بدین تصور خطا سوق داده است که اسلام از آموزه‌های خشونت‌گرایانه مملو و از این روی، به مروج خشونت متهم گردیده است. به دیگر بیان، تأثیرات بر جای مانده از فتوحات بر حوزه احادیث، همچون روایت «أمرتُ أن أُقاتِلَ النَّاسَ...»، به‌عنوان عاملی مهم از عوامل دخیل در پدیداری گزاره مذکور و احادیث هم‌مضمون با آن، که به‌نحوی تفکرات خشونت‌نما را ترویج می‌دهند، از دیگر پیامدهای فتوحات احصاء می‌گردد. ناگفته پیداست که تلاش‌های انجام پذیرفته از سوی دانشیان مسلمان جهت تقلیل قاعده تعمیم‌گرایی در گستره آیات و روایات جهاد را نمی‌توان نادیده انگاشت (رضا، ۱۴۱۴: ۲/۲۱۵؛ صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۲). این در حالی است که تعمق بر آیات مقیده

جهاد، سیاق جمله، سیمای پیامبر(ص) در طیف گسترده‌ای از آیات و روایات، ویژگی گزارش‌های تاریخی (نک: حسن‌بگی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۰)، اثربخشی باورهای کلامی در تساوی‌انگاشتن غزوات پیامبر(ص) با فتوحات خلفا و نهایتاً پرهیز از تعمیم‌گرایی در برداشت مصادیق می‌تواند کلید راهگشا در حل این شبهه باشد. از این روی در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با خوانش مجدد از مصادر تاریخی و بهره‌وری از رویکرد توصیفی - تحلیلی به تأثیرات فتوحات بر حوزه مؤثرات پرداخته و از این رهگذار بدین پرسش اساسی که نقش فتوحات در روند پدیداری روایت نام برده به چه میزان بوده است؟ پاسخ دهد.

باید گفت این موضوع به لحاظ پیشینه تحقیقاتی و در قالب پژوهشی مستقل آن‌هم با دستاوردی تحلیلی تاکنون مورد ارزیابی واقع نشده است. به گونه‌ای که نتایج حاصل از سنجش داده‌های موجود غالباً حاکی از مضامینی است مبتنی بر تبیین پدیده همانندسازی در روایات و تساوی‌انگاشتن جنگ‌های پیامبر(ص) با فتوحات خلفا، نگاهی جامع بر نظریه عدالت اصحاب و انگیزه‌ها و پیامدهای حاصل از رخداد فتوحات که موارد فوق هر یک بعدی از ابعاد گوناگون خاستگاه پیدایش روایت را تشکیل می‌دهد و تجمیع این موارد به‌عنوان پژوهشی مستقل در تبیین این موضوع تاکنون مورد اغماض واقع شده است.

رویدادهای مؤثر در پدیداری حدیث «أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ...»

وقایع رخ داده در صدر اسلام به ویژه اقدامات انجام پذیرفته از سوی خلیفه دوم، از جهات گوناگونی بر حوزه حدیث اثرگذار بوده است به گونه‌ای که می‌توان رخداد‌های تلمیحی همچون ممنوعیت نقل و نگارش سنت رسول اکرم(ص)، فتوحات خلفا و پیامدهای بر جای مانده از آن‌ها را نمونه‌هایی از حوادثی برشمرد که وقوع و تأثیر آن‌ها بر حوزه حدیث امری انکار ناشدنی است؛ به‌عنوان مثال، بیان وهب بن کيسان مبنی بر تغییر تمامی سنت‌های پیامبر(ص) حتی نماز به‌عنوان رکن اصلی اسلام (شافعی، ۱۴۱۰/۲۶۹)، به‌وضوح پیامد ناگوار ممنوعیت نقل حدیث و تداوم این اقدام را تا به هنگام روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز به‌عنوان رویدادی مهم، آشکار می‌سازد؛ لذا در ذیل مصادیق و نمونه‌هایی اشاره خواهد شد که تأثیر این دست از رویدادها در صدر اسلام به‌ویژه رخداد فتوحات را بر ابعاد گوناگون روایات به‌درستی بیان خواهد کرد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ [مَا] اسْتَحَلَّ الْأَمْرَاءُ الْعَذَابَ لِكَذِبِهِ كَذَبَهَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص - [أَنَّهُ] سَمَرَ يَدَ رَجُلٍ إِلَى الْحَائِطِ وَ مِنْ ثَمَّ اسْتَحَلَّ الْأَمْرَاءُ الْعَذَابَ»

(صدوق، ۱۳۸۷: ۵۴۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۳/۷۶)؛ نخستین بار که شکنجه از سوی امیران و حاکمان روا شد به سبب سخن دروغی بود که انس بن مالک به پیامبر (ص) نسبت داد مبنی بر آن که آن حضرت (ص) دستور داد که دست شخصی را به دیوار میخکوب کنند. نمونه دیگر، روایتی است از انس بن مالک مبنی بر دستور پیامبر (ص) بر قتل هشت نفر از اهالی عرینه و عرضه آن بر آیه «مائدة: ۳۳» و نیز تضارب آن با دو روایت صادره از سوی امام سجاد و امام صادق (علیهم السلام) که به درستی همانندساز بودن آن را آشکار می‌سازد (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۵/۷؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۱۹/۹). از سوی دیگر، نقل روایاتی مبنی بر قطع دست و پا، میل کشیدن بر چشمان و دفن اشخاص در حال تشنگی (ابن سعد، بی تا: ۹۳/۲) به دستور پیامبر (ص)، جملگی مصادیق همانندسازی از سوی حکام اموی را اثبات می‌دارد. همان گونه که ملاحظه می‌شود رویداد شکنجه و نیاز به توجیه شرعی آن سبب شده است تا در این راستا احادیثی را به پیامبر (ص) نسبت دهند. به دیگر بیان، اذعان غالب منابع تاریخی بر اقدامات خشونت‌بار دولت بنی‌امیه مبنی بر شکنجه، قطع دست و پا و میل کشیدن بر چشمان معارضان خود (طبری، بی تا: ۱۷۶/۴-۱۷۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۴۴/۱۱؛ هلالی، ۱۴۰۵: ۷۸۴/۲)، موضوعی است که همانندسازی گزارهای فوق به انضمام روایت مورد بحث در پژوهش حاضر را اثبات و می‌توان آن‌ها را در زمره مناسب‌ترین مستمسک جهت مشروعیت بخشی بر اقدامات خلفا تلقی نمود تا آنجا که عبارت «وَاللَّهُ مَا سَمَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَيْنًا...» به نقل از امام سجاد (ع) (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۱۹/۹) موضع‌گیری ایشان نسبت به پدیده شبیه‌سازی در روایات را آشکار می‌سازد. از این روی، می‌توان بر ساختن و یا شبیه‌سازی احادیثی همچون روایت مزبور را پدیده‌ای دانست که به موجب رویداد فتوحات و تأثیرات آن بر حوزه احادیث، روی داده است.

اثربخشی فتوحات خلفا بر فرهنگ دینی مسلمانان

همان گونه که بیان گردید، فتوحات صدر اسلام از جمله رویدادهای مؤثر در پیدایش روایت مزبور به شمار می‌رود؛ از این روی، ضروری می‌نماید پیش از طرح موضوع پدیده همانندسازی و وقوع آن در روایات، - که به نحوی بروز آن را در پس مشروعیت بخشی بر اقدامات خلفا (فتوحات) می‌توان شاهد بود - بر موضوعاتی نظیر اثربخشی فتوحات بر فرهنگ دینی مسلمانان، عدالت اصحاب و تلاش در ممانعت از مخدوش گشتن چهره خلفا و موجه نمایاندن پیامدهای ناشی از فتوحات، نظری افکننده تا نمایی دقیق‌تر از پرسش فوق ترسیم گردد.

آغاز رویداد فتوحات را می‌توان، با واپسین روزهای سال یازدهم پس از هجرت و اقدامات خلیفه اول در نبرد با مرتدان و منقاد نمودن آنان نسبت به اوامر حکومتی، مصادف و رخدادی مؤثر در فتح قلمروهای مجاور معرفی نمود. گسیل سپاهیان اسلام به دمشق و مناطق مشهور به شامات از سوی ابوبکر، نخستین سرزمین‌هایی است که در دوران خلافت وی مفتوح گشت (غلامی، ۱۳۷۹: ۳۸)، این در حالی است که فتح کامل شام (مقدسی، بی تا: ۱۸۴/۵) و نیز مصر به‌عنوان بخشی از قلمرو رومیان، در دوره حکومت خلیفه دوم به انجام رسید (بلاذری، بی تا: ۲۵۹/۱). اذعان غالب منابع تاریخی از وقوع دو نبرد بزرگ به نام‌های قادسیه و نهاوند (= فتح الفتوح) در زمان خلافت عمر، به‌وضوح از امتداد فتوحات مسلمانان در ایران گواهی می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۴۴/۷؛ حموی، ۱۹۹۵: ۳۱۴/۵)، به‌گونه‌ای که فتوحات به‌ویژه فتح ایران از زمان خلیفه نخست آغاز و با حکومت عمر به اوج خود رسید. فتح سایر بخش‌های بلاد فارس همچون خراسان، نیشابور، طوس، مرو، هرات، سجستان و... در عصر خلافت عثمان انجام پذیرفت (کوفی، ۱۴۱۱: ۳۳۷/۲). با نظر بر گزارش‌های پیش‌گفته در غالب منابع تاریخی، می‌توان رویدادی مهم همچون فتوحات خلفا را که در فاصله سال‌های ۱۱ تا ۳۵ هجرت، و مصادف با حکومت خلفای صدر اسلام رخ نموده است را عاملی اساسی در فتح سرزمین‌های سه‌گانه ایران، روم و آفریقا برشمرد. گفتنی است که رخداد مذکور در بازه زمانی ۲۴ ساله خود، به سبب دگرگون ساختن حیات مادی و معنوی مسلمانان، از جمله مهم‌ترین رخدادهاى ثبت شده در دوره حکومت خلفای سه‌گانه به‌شمار می‌رود. پیامدهای ناشی از فتوحات نیز بسته به انگیزه فاتحان، تحلیل و رویکردهای گوناگونی را برانگیخته است. بعضاً بسط عدالت و گسترش توحید را اساسی‌ترین نتایج حاصل از فتوحات تلقی نموده‌اند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۴/۹۴-۹۳)، این در حالی است که عده‌ای به سبب فجایع رخ داده در آن، به نکوهش فتوحات مبادرت ورزیده‌اند (حسن‌بگی؛ مهدوی‌فرد، ۱۳۹۷: ۵۰).

باید گفت که افزون بر تحولات و انقلاب ایجاد شده در حیات دنیوی و اخروی جامعه اسلامی، اثربخشی فتوحات خلفا بر فرهنگ دینی مسلمانان و به‌ویژه حوزه حدیث را نیز نمی‌توان نادیده گرفت به‌گونه‌ای که برخی از مفسران پاره‌ای از آیات را بر اساس فتوحات رخ داده تفسیر نموده‌اند. بی‌شک جایگاه آیات در تحلیل فتوحات موضوعی است که واکاوی این مسأله را تسهیل می‌بخشد. بسیاری از شواهد تاریخی، گواه آن دارد که اعراب مسلمان، پاره‌ای از آیات را سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار داده و بدان استناد نموده‌اند (حسن‌بگی؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴). به‌عنوان نمونه، فرماندهان و خلفای

صدر اسلام، مطابق با سفارش‌های قرآن (آل عمران: ۱۵۹) و سیره نبوی (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱۰/۲) به هنگام جنگ، امور نظامی را به شور نهاده که این امر از اهمیت مشورت در فتوحات گواهی می‌دهد (حسن بیگی؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۳). به نظر می‌رسد که رخداد فوق‌بسان هر پدیده دیگری در پیدایش خود دارای زمینه‌ها و پیامدهای خاص خود باشد. از سوی دیگر، با نظر بر بسیاری از منابع تاریخی، چنین به دست می‌آید که بینش توحیدی، تنها انگیزه‌های فاتحان از شیوع این اقدامات نبوده و دست‌یابی بر ثروتی غنی، بارزترین مقصود از این اقدام را تبیین می‌نماید؛ لذا توجه توأمان بر انگیزه خلفا از فتح بلاد مفتوح و نظریه عدالت اصحاب به مثابه اساسی‌ترین باور کلامی اهل سنت، به وضوح از تلاش مسلمانان در موجه نمایاندن فتوحات در مقام اقدامی انجام پذیرفته از سوی اصحاب عادل، گواهی می‌دهد. لذا تبیین اندیشه عدالت اصحاب و توجیه پیامدهای ناشی از فتوحات، موضوعاتی است که به میزان قابل توجهی می‌تواند در تبیین زمینه‌های پدیداری روایت مورد بحث مؤثر واقع افتد.

اندیشه عدالت صحابه و پدیداری حدیث «أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ...»

آن‌گونه که بیان گردید، اندیشه عدالت اصحاب و تلاش در ممانعت از مخدوش گشتن چهره خلفا، اساسی‌ترین دلیل در مشروعیت‌بخشی به فتوحات به شمار می‌رود. توضیح آن که رویکرد غالب اهل سنت، در برابر صحابه پیامبر اکرم (ص)، با اختلافی اندک در ادله و مفهوم رایج از معنای اصلاحی صحابه، تماماً بر عدالت اصحاب و تنزیه آنان از فسق و گناه دور می‌زند. لازمه چنین اعتقادی، برخورداری اصحاب از نوعی مصونیت دینی است. بدین معنا که کوچک‌ترین خورده‌گیری نسبت به آراء و فتاوی آنان ممنوع و طریق توجیه، تأویل، حسن ظن و نهایتاً چشم‌پوشی بر اقدامات آنان، صحیح‌ترین راه ممکن خواهد بود (نیکزاد، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۳). لذا فتوحات خلفای سه‌گانه در مقام مهم‌ترین رویداد به وقوع پیوسته از سوی صحابه پیامبر (ص) در مقام عامل و مجری این رخدادها، می‌تواند اساسی‌ترین باور کلامی اهل تسنن مبنی بر «عدالت اصحاب» را خدشه‌دار نماید. از این روی، نظریه مزبور، موضوعی است که به موجب آن، گستره روایات معجول و یا همانندسازی شده را می‌توان شاهد بود.

بدین معنا که هرگاه اقدام صورت پذیرفته از سوی برخی از صحابه پیامبر (ص) در جامعه اسلامی با سیره حقیقی حضرت (ص) در تعارض باشد، نخستین گام، جعل و یا شبیه‌سازی روایتی است مشابه با فضائل معصومین (ع) آن‌هم به منظور حفاظت از باور

مذکور و جلوگیری از مخدوش گشتن آن. نمونه‌های ذیل هر یک، از تأثیر عدالت صحابه بر حوزه روایات به‌ویژه پدیده جعل و وقوع همانندسازی در روایات آگاهی می‌دهد. گزاره ابن عباس مبنی بر نفرین پیامبر (ص) خطاب به آوازخوانی معاویه و عمرو بن العاص و روایات دال بر جعل و شبیه‌سازی اسامی، جایگاه و مرجعیت اصحاب را نمایان می‌سازد (طبرانی، بی‌تا: ۳۲/۱۱؛ ابن عدی، ۱۴۰۹: ۴/۴). نمونه‌ای دیگر آن که در گزارش‌های تاریخی بسیاری می‌توان شکنجه و سوزاندن مخالفان با حکومت امرا را از سوی دو خلیفه اول شاهد بود (طبری، بی‌تا: ۲۵۳/۳-۲۵۱ و ۲۶۵-۲۶۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۱۱/۲۳). همان‌گونه که قابل رؤیت است، معتقدان بر باور کلامی عدالت اصحاب، به‌منظور خنثی نمودن وجهه ناسازگار اصحاب با سیره نبوی، روایاتی نظیر دستور پیامبر (ص) بر قتل اشخاص (ابن سعد، بی‌تا: ۹۳/۲) به نقل از انس و نیز روایت مورد بحث در پژوهش حاضر را با مضمون جنجالی آن، همانندسازی نموده‌اند.

از سوی دیگر، سوگیری برخی از مفسران و سوءفهم آنان در تفسیر و تعیین مصداق آیات مطلقه جهاد که خود (آیات مطلق) به‌ظاهر می‌تواند مؤیدی بر روایات همانندسازی شده نیز باشد، موضوعی است که بر پدیده جعل و پیامدهای ناشی از آن دامن زده است. شاید به‌ظاهر، بتوان از آیاتی همچون «توبه: ۵ و ۳۶ و ۱۲۳؛ بقره: ۱۹۳» قتال با تمامی مشرکان و درنهایت همسویی آیات با روایت مورد بحث را استنباط نمود. همان‌گونه که بسیاری از مفسران نیز به دلیل غفلت از سیاق آیات، حکم بر اطلاق برخی از آیات جهاد نموده و در ورطه فهم سقیم از آن غوطه‌ورند. این در حالی است که توجه بر سیاق جمله - در آیات توبه و بقره - و آیات مقیده جهاد نظیر آیات شریفه «بقره: ۱۹۰؛ حج: ۳۹» هر یک به‌مثابه برهانی متقن بر این نکته اشاره دارد که جنگ‌های پیامبر (ص) برخلاف فتوحات تماماً جنبه دفاعی داشته و وجوب قتال در آیات و روایات مطلق، تنها با محاربان و آنان که به انگیزه عدوان شهره‌اند، تعلق می‌گیرد.

توجیه‌گرایی و تلاش در ممانعت از مخدوش گشتن چهره خلفا و پیامدهای

ناشی از فتوحات

به نظر می‌رسد مهار بادیه گردان توسط فتوحات به‌مثابه یگانه ابزار موجود را بتوان نخستین انگیزه خلفا از آغاز فتوحات برشمرد. حسن ابراهیم حسن، مورخ و مترجم مصری، پیرامون انگیزه ابوبکر از اعزام اعراب چنین گوید: «نشانه حسن سیاست ابوبکر آن که مردم عرب را به جنگ‌های خارجی سرگرم کرد که این کار وسیله انتشار اسلام بود و عرب‌ها را که به

جنگجویی خو کرده بودند برای پیشرفت دین حق به کار می‌انداخت» (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۲۴۲/۱). از سوی دیگر با نظر بر طیف گسترده‌ای از مصادر تاریخ‌نگاری، ارسال نامه‌های ابوبکر به سران قبائل مرتد (نک: طبری، ۱۳۸۷: ۲۵۰/۳) را می‌توان نمونه‌ای از اشاعه معارف ناب توحیدی به‌عنوان دومین اهداف متعالی برخی از فاتحان، برشمرد. به نظر می‌رسد تحلیل فوق از انحصارگرایی، تتبع ناقص و تساوی انگاشتن آثار ایجابی یک عمل با پنداشت صحیح از آن، رنج می‌برد؛ زیرا فاتحان در برخی از مناطق به کشتار و خشونت روی آورده برخی دیگر نیز پایه‌گذار نظام تبعیض در اسلام بودند؛ بر این اساس، پذیرش عدالت‌گستری از سوی آنان با تردید جدی مواجه می‌شود (حسن‌بگی؛ مهدوی‌فرد، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۵).

افزون بر موارد فوق، تحصیل غنائم، تمکن خزانه و اصرار بر تجمیع افزون‌تر آن را نیز می‌توان مهم‌ترین مقصود خلفا از به راه انداختن فتوحات دانست (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۴/۳). شاید از مطالبی که تاکنون بیان گردید بتوان، تحصیل غنائم و پس‌از آن، مطیع و منقاد ساختن بادیه‌نشینان توسط تحمیل فتوحات بر آنان را مهم‌ترین انگیزه فاتحان از استمرار ۳۰ ساله فتوحات تلقی نمود.

در باب پیامدهای این رخداد نیز به نظر می‌رسد مواردی چند همچون، بهبود وضعیت اقتصادی، تشکیل طبقه اشراف و باندهای قدرت، قداست خلفا (بلاذری، بی‌تا: ۵۵۳/۳)، ترویج دین با وجهه‌ای خشونت‌طلب و... را بتوان از جمله مهم‌ترین پیامدهای حاصل از فتوحات برشمرد (حسن‌بگی، ۱۳۸۶: ۹۲-۸۷). سرازیر شدن غنائم بی‌شمار به سرزمین‌های اسلامی و انقسام آن بر اساس نسب و سابقه نظامی افراد، بستری مناسب را در شکل‌گیری طبقه اشراف فراهم نمود. از سوی دیگر، در پی فتح یکایک بلاد، بعضاً با گزارش‌هایی مواجه خواهیم شد که از خشونت و متهم نمودن اسلام به دین شمشیر به‌عنوان پیامدی دیگر از فتوحات گواهی می‌دهد. قبول اسلام، اعطای جزیه و پذیرش جنگ، هر سه شروطی است که فاتحان در مواجهه با غیرمسلمانان از آنان اخذ می‌نمودند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۴/۳). به نظر می‌رسد افزون بر نتایج مطروحه، بتوان اثربخشی فتوحات بر حوزه‌های مختلف حدیث را به‌مثابه مهم‌ترین رویدادهای ثبت شده در تاریخ اسلام، از جمله پیامدهای دیگر فتوحات برشمرد.

با توجه به زمینه‌ها و نتایج حاصل از فتوحات می‌توان رخداد مذکور را در تعارض و تنافی کامل با آیات جهاد و سیره نظامی پیامبر (ص) دانست. از این روی وقوع چنین اقدامی از سوی صحابه پیامبر (ص)، نیازمند به اقامه توجیحات دینی از سوی نسل‌های پس از صحابه

بوده است. به دیگر بیان، روایت «أَمْرٌ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ...» در پژوهش حاضر، تحریرات مشابه با آن همچون حدیث «لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِالذَّبْحِ...» و گزارش‌های دال بر بشارت پیامبر(ص) به فتح دو تمدن بزرگ ایران و روم (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۷۰۴/۳) در زمره احادیث توجیه‌گر استقرار یافته و به موجب پیامدهای ناگوار ناشی از فتوحات و تلاش نسل‌های پس از صحابه در ممانعت از مخدوش گشتن چهره خلفا، همانندسازی شده است.

لکن از آنجاکه در میان عالمان مسلمان از هر دو گروه اهل سنت (نک: شافعی، ۱۴۱۰: ۱۷۰/۴) و شیعه (نک: طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۴۳-۴۴/۹) و نیز طیف گسترده‌ای از مستشرقان اعم از افراط‌گرا (نک: غزالی مصری، ۱۳۶۳: ۱۷۹-۱۷۶؛ هیوم، ۱۳۶۹: ۳۰۳) و واقع‌نگران (نک: پورت، ۱۳۳۴: ۱۱۴-۱۱۳؛ زرین کوب، ۱۳۴۸: ۱۶)، عده‌ای بر نظریه وجوب جهاد ابتدایی در اسلام معتقدند و با رویکردی تعمیم‌گرایانه، فتوحات را همان فعل مشروع و اقدامی در پس غزوات پیامبر اکرم(ص) تلقی نموده‌اند؛ لذا این امر موجبات گسترش چهره‌ای منحط از اسلام در میان ملل را فراهم نموده است. این در حالی است که با مراجعه بر متون روایی (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۳۰۳/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۷؛ قاضی عیاض، ۱۰۵/۱۴۰۹؛ ابویعلی، ۱۴۱۲: ۳۵/۱۱)، بسیاری از آیات قرآن کریم (شعراء: ۳؛ انبیاء: ۱۰۷) و آشنایی با سیره نظامی حضرت(ص) (واقدی، ۱۴۰۵: ۸۲۲/۲-۸۲۱) می‌توان سیمایی پرفروغ از ایشان را ترسیم و مفهومی را در تعارض کامل با گزارش‌های مذکور به‌ویژه روایات دال بر اعمال خشونت و پیشرفت اسلام به واسطه قدرت سلاح را فهم نمود. از این روی این دست از گزاره‌ها، همان‌گونه که گذشت، تماماً از موضوع همانندسازی میان جنگ‌های خلفا و پیامبر(ص) آگاهی می‌دهد.

اینک با نظر بر نتایج و پیامدهای ناگوار حاصل از فتوحات چنین تصور می‌شود که بروز پدیده همانندسازی در روایات به‌منظور تساوی‌انگاشتن جنگ‌های پیامبر(ص) و خلفا را بتوان یگانه‌ترین در مشروعیت‌بخشی به فتوحات خلفا از سوی نسل‌های پس از صحابه دانست. از سوی دیگر آن‌چنان که گذشت، تقویت اندیشه عدالت اصحاب نیز، اساسی‌ترین عامل در توجیه‌گرایی این رخداد عظیم به شمار می‌آید؛ لذا ترسیم‌نمایی دقیق از تأثیر رخداد فتوحات بر پدیداری روایت مذکور، تنها از گذار پرداختن به موضوعاتی نظیر «پدیده همانندسازی در روایات» و «تساوی‌انگاشتن جنگ‌های پیامبر(ص) و فتوحات» حاصل شدنی است.

پدیده همانندسازی و وقوع آن در روایات

پدیده شبیه‌سازی احادیث و قدمت دیرینه آن در تاریخ حدیث شیعه، موضوعی است که وقوع آن را در منابع حدیثی و وجود شماری از گزارش‌های ثبت شده در مجامع روایی، نمی‌تواند کتمان نمود. گفتنی است که مهم‌ترین پایه تحقیقات حدیثی و دین‌شناسی، گزاره‌هایی است که در اختیار محقق قرار می‌گیرد و با تکیه بر آن، رویکردهایی دینی از قبیل جهاد ابتدائی، ترور، شکنجه و ... را ارائه می‌دهد؛ از سوی دیگر محوریت اصحاب حدیث، منجر به تغلیب رویکرد تقدیس از گذشتگان گردیده و از اهمیت نقد گزاره‌ها به میزان قابل توجهی کاسته شد؛ لذا تلاش پژوهشگر به منظور عدم خلط میان نظرگاه اسلام و مسلمانان ضرورت پرداخت بر این مهم را آشکار می‌سازد (حسن‌بگی، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۳). جستار در باب قدمت همانندسازی و وقوع آن در روایات، از نخستین حضور این پدیده در عصر حکومت معاویه گواهی می‌دهد. وی حکومت علی(ع) را مخل اقدامات خویش تصور و به دنبال آن دستور بر تعمیم و همانندسازی فضائل اهل‌بیت(ع) بر خلفای سه‌گانه داد. با این تفاسیر، شاید بتوان، آن دسته از روایاتی که در پژوهش حاضر بر محوریت جنگ‌های رده دور می‌زند (ابن حنبل، بی تا: ۱۹/۱؛ ابویعلی، ۱۴۱۲: ۶۹/۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۴۱۱/۳، ح ۳۰۴؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۳۸/۳) را، در شمار گزارش‌هایی دانست که با انگیزه تصحیح اقدامات ابوبکر و عمر و همچنین مشروع‌سازی فتوحات آنان همانندسازی شده است.

از باب نمونه می‌توان به روایات سابق‌الذکر از جمله دستور پیامبر(ص) بر قتل هشت نفر از اهالی غرینه (شافعی، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۵/۷) و نیز گزارش‌هایی در باب کرامات اهل‌بیت(علیهم‌السلام) و تعمیم آن بر امرای اموی و عباسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۵۰؛ ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ۵۹۵/۲)، اشاره نمود. از ابن عباس نیز نقل شده است که پیامبر(ص) صدای آوازخوانی دو تن را شنید. حضرت(ص) از احوال آنان جو یا شد. گفتند: آنان معاویه و عمرو بن العاص‌اند. ایشان فرمودند: خداوند آنان را در فتنه درهم شکند (طبرانی، بی تا: ۳۲/۱۱). روایت فوق جعل و همانندسازی گشته و اسامی مذکور مرتباً به معاویه بن التابوت و رفاعه بن عمرو بن التابوت تغییر یافته است (ابن عدی، ۱۴۰۹: ۴/۴). بدین سبب، ورود و نقل روایاتی مشابه با گزاره‌های فوق، در بسیاری از منابع فریقین و نیز احادیثی با محوریت قتال همچون روایت «أَمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ...» که به نحوی با آیات جهاد، سیره نبوی و یا باور کلامی عصمت پیامبر(ص) همخوانی نداشته و اوامر الهی را نیز نقض می‌دارد، بر همانندسازی محکوم‌اند.

گفتنی است با نظر به وقوع پدیده همانندسازی در روایات و اثبات قدمت تاریخی آن، می‌توان مهم‌ترین عامل در بهره‌گیری از مصادر تاریخی و مجامع روایی را، آشنایی با تمایزات موجود میان گزاره‌های حدیثی اصیل از همانندساز دانست. شاید بتوان شواهد و ممیزاتی نظیر عدم تواتر و تفرد در ذکر طریق، ضعف اسناد، قلت انعکاس یک روایت در منابع حدیثی، تعارض آن با قرآن کریم، سنت مقطوعه و باورهای کلامی را، در تشخیص و انفکاک این گونه گزاره‌ها امری ضروری دانست؛ زیرا شرط وصول به پژوهشی صحیح، در گرو دستیابی بر داده‌هایی صحیح و آن نیز منوط بر صحت جداسازی گزاره‌ها از یک‌دیگر است.

همانندسازی میان جنگ‌های پیامبر(ص) و فتوحات خلفاء

با عنایت بر نکات مطروحه و نیز منابع روایی و صراحت برخی از گزاره‌های حدیثی شبیه‌سازی شده، می‌توان وقوع این جریان را، امری قطعی و غیرقابل‌انکار دانست. گفتنی است تفاوت فاحش میان انگیزه پیامبر(ص) و خلفا از آغاز جنگ‌ها، موضوعی است که در ضدیت کامل با باور کلامی برخی مورخان سنی‌مذهب بوده و همین موضوع سبب گشته است تا آنان را به همانندسازی میان این دو رخداد بزرگ وادار نماید؛ زیرا وضوح جنبه تدافعی صرف در جنگ‌های پیامبر(ص)، اعمال اقدامات استراتژیک و مدافعانه در مقابله با تهاجم آشکار دشمنان آن‌هم با کم‌ترین تجاوز و بیش‌ترین عفو در قیاس با اقدامات تهاجمی خلفا در میدین فتح، جملگی نکاتی است تا جریان پدیده همانندسازی میان جنگ‌های پیامبر(ص) و خلفا را تصدیق و تحقق آن را اثبات دارد.

به‌عنوان نمونه، شکنجه شخصی مبنی بر آویختن دست او با میخ بر دیوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۳/۷۶) و قطع دست و پا، میل کشیدن بر چشمان و دفن اشخاص در حال تشنگی (ابن سعد، بی‌تا: ۹۳/۲) به دستور پیامبر(ص)، جملگی مصادیق همانندسازی از سوی حکام اموی را اثبات می‌دارد؛ بنابراین این گونه اتهامات بر پیامبر(ص) با مراجعه به متون روایی معتبره و بسیاری از آیات قرآن کریم و آشنایی با سیمای حضرت(ص)، تماماً ملغاً خواهد شد. طیف گسترده‌ای از آیات و روایات، پیامبر(ص) را به سجایای اختصاصی نظیر رقت و شفقت در هدایت امت (شعراء: ۳؛ قاضی عیاض، ۱۴۰۹: ۱۰۵/۱)، رحمه للعالمین (انبیاء: ۱۰۷؛ ابویعلی، ۱۴۱۲: ۳۵/۱۱)، عدم تجاوز و یورش (ابن‌اثیر، ۱۳۸۶: ۳۰۳/۳)، عدم سوء قصد به جان افراد و قتل پنهانی آنان (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۷) و درنهایت آغازگر جنگ نبودن (همان، ۲۸/۵) متصف نموده‌اند. از سوی دیگر گستره گزاره‌های موجود در باب

سیره اخلاقی پیامبر(ص) در میدین حرب همچون عفو عمومی ایشان در روز فتح و ورود به مکه با وجود برتری سپاه اسلام بر متخاصمان به لحاظ قدرت و شمار نیرو (واقعی، ۱۴۰۵: ۸۲۲/۲-۸۲۱)، موضوع دیگری است که افزون بر دسته آیات و روایات مقطوعه، سیمای پرفروغ حضرت(ص) را نیز نمایان می‌سازد.

گفتنی است عاملی که دیدگاه نسل‌های پس از صحابه و مسلمانان به ویژه اهل سنت را به موضوع همانندسازی میان جنگ‌های خلفا و غزوات پیامبر(ص) متمایل نموده است، توجه بدین نکته می‌باشد که فتوحات، مصداق هجوم ابتدایی از سوی مسلمانان و صحابه بوده است؛ لذا نسل‌های بعد از صحابه با تأثیرپذیری از باور کلامی خود مبنی بر «عدالت تمامی اصحاب»، صحابه را افرادی عادل ولذا اقدامات آنان را برخلاف اعتقادات کلامی خود دانسته و به موجب توجیه آن، اقدام به همانندسازی نموده‌اند. روایت «أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ...» نیز از مصادیق همانندسازی است. حال آن‌که با نظر بر سیمای پیامبر(ص)، چگونه می‌توان روایات و گزاره‌های حدیثی از جمله روایت مزبور که نمایی کاملاً متناقض با توصیفات متقنی که از پیامبر(ص) در آیات، روایات قطعی بسیار، سیره نبوی و باور کلامی عصمت شاهد آن هستیم را پذیرا بود. لازمه چنین مقبولیتی، کنار نهادن گستره آیات و روایت به مثابه اساسی‌ترین ملاک سنجۀ مآثرات می‌باشد. از این روی، وجود این دست از روایات که تصویری ناقص و ناهمگون از پیامبر(ص) و کاملاً سازگار با کنش و رفتار حکام اموی و عباسی را نمایان می‌سازد، می‌تواند بهترین گواه بر همانندسازی گزاره‌های حدیثی باشد (حسن‌بگی، ۱۳۹۵: ۵۲).

انطباق‌ناپذیری نتایج فتوحات با آیات و سیره نبوی و توجیه شرعی آن

عدم انطباق کامل فتوحات با ادله نقلی، آن‌هم به موجب نتایج ناگوار ناشی از آن، خود اساسی‌ترین دلیل بر نفی نظریه عدالت اصحاب می‌باشد. موضوعی که نسل‌های پس از صحابه را بر آن داشته تا با استمداد از روایات همانندسازی شده به گزینش طریق توجیه روی آورند و وجهه منحن خلفا را به جامه قداست زینت بخشند. در ادامه پیش از بازشناسی ماهیت رخداد فتوحات بر پایه گستره آیات و روایات، ارزیابی مفاهیم آیات قرآن و سیره نبوی پیرامون امر جهاد در اسلام، موضوعی حتمی به نظر می‌رسد که ارزیابی رخداد مذکور را نیز تسهیل می‌بخشد. بر این اساس، در قرآن کریم، آیات الأحکامی که به نحوی از جهاد و محدوده آن بحث می‌کند را می‌توان به دو دسته آیات مطلق و مقید تقسیم نمود. دسته نخست، به صورت مطلق مسلمانان را به جهاد ابتدایی امر می‌کند (توبه:

۵-۳۶-۱۲۳؛ بقره: ۱۹۳)، در مقابل، آیات مقیده (بقره: ۱۹۰-۲۵۶؛ نساء: ۹۰؛ حج: ۳۹؛ ممتحنه: ۸)، شرایطی از جمله دفع فتنه، مقابله به مثل و مبارزه با محاربان را عواملی مهم در وجوب قتال با کفار معرفی می‌دارد (شیرین کارموحد؛ اکبری، ۱۳۹۵: ۴۸). برخی، تداوم جنگ‌های هر ساله پیامبر(ص) در شهر یترب و نیز بنابر پاره‌ای از مصادر تاریخی، حمله غافل‌گیرانه ایشان بر بنی‌المصطلق (نک: واقدی، ۱۴۰۵: ۴۰۴/۱ و نیز به‌منظور آشنایی با قائلین این رویکرد نک: طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱/۲ و ۱۳) را دستاویزی در مشروعیت جهاد ابتدایی برشمرده و از این روی، فتوحات خلفا را اقدامی در پس غزوات دانسته‌اند و هر دو را محکوم بر جهاد ابتدایی می‌دارند. حال آن‌که با تدقیق در گستره آیات مطلقه جهاد، بازنگری بر شأن نزول آن، احتساب قاعده حمل مطلقات بر مقیدات و نیز توجه بر سیاق جمله، می‌توان افزون بر آیاتی که به‌ظاهر جهاد ابتدایی را تأیید می‌دارد، آیاتی را نیز جست‌وجو نمود که جهاد را تحت شروطی، در صف اقدامات مدافعانه قرار می‌دهد؛ بنابراین از آیات جهاد به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان جنگ ابتدایی را برداشت نمود؛ زیرا آیات مطلقه جهاد با نظر بر مقیدات آن، جهاد تدافعی را اثبات می‌دارد. همچنان که شیخ محمدعبده و شیخ محمدجواد بلاغی و نیز بسیاری از مفسران دیگر بر این نکته با یک‌دیگر هم‌داستانند (رضا، ۱۹۹۰: ۱۷۳/۲؛ بلاغی، ۱۴۳۱: ۲۲۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۸/۲). لذا با نظر بر مفاهیم آیات و اثبات تدافعی بودن حکم جهاد، تنافی فتوحات با آیات جهاد، فهم و نهایتاً نیازمندی این رخداد به روایات توجیه‌گری همچون گزاره مزبور اثبات می‌گردد.

از سوی دیگر، اتخاذ سیره نبوی نیز پس از آیات جهاد، می‌تواند بهترین سنجه در ارزیابی فتوحات به شمار آید. نگاهی تاریخی بر جنگ‌های پیامبر(ص) و مصادر موجود که مجموعه‌ای مدون در باب شناخت با سیره نظامی حضرت(ص) به شمار می‌آید، به‌وضوح جنبه دفاعی بودن آیات جهاد و توافق آن با غزوات پیامبر(ص) را اعلام داشته است (ابن‌سعد، بی‌تا: ۱۶۵/۲؛ طبری، بی‌تا، ۲۶۰/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۶: ۲۰۴/۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۷۸/۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۳۶۸/۴). این مدعا اساساً در خصوص غالب اقدامات نظامی پیامبر(ص) صادق بوده و به حق، عکس عملکرد خلفای صدر اسلام را در میادین نبرد تشریح می‌دارد که می‌توان انگیزه و پیامدهای ناشی از فتوحات را که در پیش گذشت، گواهی بر این داعیه دانست.

با این تفاسیر، به نظر می‌رسد آیات قرآن و سیره حضرت(ص) تماماً دال بر جهاد تدافعی باشد. این در حالی است که فتوحات خلفای صدر اسلام از مصادیق جهاد ابتدایی به شمار می‌رود و این امر در حقیقت عدم انطباق فتوحات با آیات و سیره نبوی را آشکار

می‌سازد. بر این اساس، دریافت داده‌هایی مبتنی بر انگیزه‌های ماده‌گرایانه از فتوحات که با آیات جهاد و خواست پیامبر(ص) در تضاد کامل به سر می‌برد، چنین نشان می‌دهد که مسلمانان و به‌ویژه اصحاب، به‌موجب حضوری مجدانه در رأس این اقدامات، در طلب مستمسکی بودند تا این قبیل از اقدامات، توجیه شرعی شده و بقایای برجای‌مانده از آن، تماماً خنثی گردد. چراکه با توجه بر نتایج فتوحات و انطباق‌ناپذیری آن با آیات و سیره نبوی، می‌توان مهم‌ترین باور کلامی اهل تسنن مبنی بر «عدالت اصحاب» را در تقابل کامل با رخدادهای فتوحات دانست. لذا همان‌گونه که بیان گردید، نخستین گام در طریق توجیه، تمسک بر قرآن کریم می‌باشد. بدین معنا که در صورت یافتن آیه‌ای همساز با تفکر خویش، بی‌درنگ مسیر موجه‌سازی را در پیش می‌گیرند هرچند که این بینش تنها با ظاهر آیات و مراد استعمالی از آن هم‌خوانی داشته باشد. افزون بر آیات جهاد، توجه بر روایات و سیره نبوی نیز پس از کلام و حیانی، ابزار دیگری به شمار می‌رود که با تمسک بر آن، می‌توان در مسیر اقامه ادله، بهترین نتیجه را کسب نمود.

در صورت عدم مواجهه با آیات و سنتی مرتبط با اقدام خویش، گام نهایی، وضع و همانندسازی مآثرات می‌باشد. حال آن‌که آغاز پدیده جعل و وقوع آن با عصر نبوی نیز مقارن بوده و این امر بر احدی پوشیده نیست (نک: أبوریه، بی‌تا: ۱۱۷)؛ بنابراین گزارش‌های دال بر بشارت پیامبر(ص) به فتح دو تمدن بزرگ ایران و روم (ابن‌هشام، ۱۳۸۳: ۷۰۴/۳) و نیز روایت «أمرتُ أن أُقاتِلَ النَّاسَ...» را می‌توان از جمله دست‌آویزهایی دانست تا بدان وسیله پیگیری فتوحات و عدم انطباق آن با آیات و سیره نبوی را خنثی و آن را دلیلی شرعی از سوی مقدس‌ترین فرد - شخص پیامبر(ص) - اعلام نمایند.

نگاهی بر تحلیل اسنادی و دلالی روایت «أمرتُ أن أُقاتِلَ النَّاسَ...»

همان‌گونه که سابقاً گفته آمد اثربخشی رویدادها در پدیداری مآثرات را نمی‌توان کتمان نمود به‌گونه‌ای که رخدادهای تلخی همچون ممنوعیت نقل و نگارش سنت رسول اکرم(ص) و فتوحات خلفا و پیامدهای بر جای مانده از آن‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از حوادثی برشمرد که وقوع و تأثیر آن‌ها بر حوزه حدیث امری انکارناشدنی است. از سوی دیگر، عرضه گزاره مورد بحث بر قرآن و سنت نبوی و نیز ارزیابی اسنادی آن، از انطباق‌ناپذیری روایت با دو معیار مذکور و نیز ضعف اسنادی آن گواهی می‌دهد همچنان که از کلام استاد علی‌اکبر غفاری نیز می‌توان تعارض موجود میان فحوای روایت با آیات جهاد را فهم نمود (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۱۴/۲-۱۱۳). بر این اساس می‌توان ادعا نمود که گزاره

مزبور در همان فضای فتوحات ساخته شده باشد و یا نسل پس از صحابه که بر باور کلامی عدالت اصحاب معتقدند در راستای تصحیح و مشروع سازی اقدامات خلفا به پدیداری این روایت و یا گزاره‌های مشابه با آن اقدام نموده‌اند.

لذا با عنایت بر مطالب پیش گفته، از تحلیل اسنادی روایت در مجامع حدیثی فریقین چنین حاصل آمد که حجم غالب طرق روایت در متون اهل سنت، مرتباً بر «اباهریره»، «أنس بن مالک»، «جابر بن عبدالله»، «ابن عمر» و... مختم گشته است. بر این اساس مرجعی متقدم همچون اباهریره را می‌توان در شمار اولین روای مشترک حقیقی برشمرد. شاید بتوان منتسب بودن غالب روایان به استان بصره را نمودی دانست که به موجب آن، گسترش روایت در این ناحیه بیش از دیگر مناطق بوده است. وضعیت توثیق و یا تضعیف روایان موجود در اسناد نیز، تنها از سوی معدلان سنی مذهب مطرح بوده و در هیچ‌یک از منابع رجالی شیعه نصی بر توصیف آنان وارد نشده است که این خود، عاملی در ضعف اسناد به شمار می‌آید.

تضعیف روایان از جمله موانعی است که افزون بر نقض اقوال برخی مؤلفان در مصادر تألیفی خود مبنی بر «وثوق روایان تا مراجع اولیه» (نک: مبارکفوری، ۱۴۲۲: ۳۵۰/۱)، پذیرش صحت برخی روایات و صدور قطعی آن‌ها را نیز با اخلال جدی مواجه نموده است. از آن گذشته تبادلات علمی و فرهنگی میان عالمان شیعه و مشایخ اهل تسنن به ویژه در میانه سده چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، می‌تواند عاملی دیگر در انتقال روایت از منابع اهل سنت به متون روایی و فقهی شیعه احتساب گردد. افزون بر این موارد می‌توان، عدم نقل و راهیابی حدیث در منابع روایی متقدم، ارسال اسناد در اکثر قریب به اتفاق منابع فقهی و روایی شیعه (طوسی، بی تا: ۲۶۳/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۲/۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۴۱۱/۳)، تفرد طرق روایت در غالب مصادر (صدوق، ۱۳۷۸: ۶۴/۲، ح ۲۸۰؛ همو، ۱۴۰۶: ۲۹۴)، ... را عواملی برشمرد که به موجب آن می‌توان، ضعف اسنادی روایت را از آن منتج دانست.

در تحلیل دلالتی روایت نیز، توجه بدین نکته حائز اهمیت است که نخستین ورود این دسته از روایات با تحریرات گوناگون آن به لحاظ تقدم و تأخر زمانی از میان سنی‌مذهبان در کتاب «الأم» شافعی (نک: شافعی، ۱۴۱۰: ۱۸۱/۴) و در خلال عالمان شیعی، می‌توان تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (نک: قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۱) و پس از ایشان، شیخ صدوق (نک: صدوق، ۱۳۷۸: ۶۴/۲، ح ۲۸۰؛ همو، ۱۴۰۶: ۲۹۴) را نام برد که از حیث برخوردارگی از مشایخ اهل تسنن، روایت را در اثر تألیفی خود منتقل نموده‌اند. به نظر

می‌رسد ورود گزاره‌های مذکور در منابع متقدم و در قالب هسته اولیه روایت، از یک سطر تجاوز نکرده (نک: ابن حنبل، بی‌تا: ۴۷۵/۲؛ شافعی، ۱۴۱۰: ۱۸۱/۴) و با انعکاس آن در منابع متأخرتر به تدریج بر عبارات آن افزوده شده باشد (نک: ترمذی، ۱۴۰۳: ۱۱۸/۴؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ۵۹۴/۱؛ ابویعلی، ۱۴۱۲: ۶۹/۱؛ حرعاملی، ۱۴۲۵: ۴۱۱/۳، ح ۳۰۴؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۳۳۸/۳). شاید بتوان وقوع فرایند داستان‌پردازی پیرامون رخداد‌های صدر اسلام و اقدامات حضرت (ص) در مواجهه با مخالفان، تخلیط در برداشت از فهم رایج و اصیل روایت، بروز تصحیفات متنی، تسامح مدونان در گردآوری احادیث و... را در رشد متنی روایت مزبور، عواملی دخیل تلقی نمود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد، از اقتضانات پاسخ به پرسش اصلی در گفتار حاضر که بر محوریت تحلیل خاستگاه پیدایش روایت دور می‌زند، توجه بدین نکته است که تأثیر فتوحات - به‌عنوان رویدادی مهم در تاریخ اسلام - بر حوزه مآثورات و پدیداری روایت مزبور قابل کتمان نبوده و آثار آن را بر ابعاد گوناگون روایات با ذکر مصادیقی چند آشکار نمودیم. در راستای تبیین زمینه‌های پدیداری روایت نیز، از رهگذار موضوعاتی اساسی همچون، مشروع‌سازی فتوحات، پیامدهای حاصل از باور کلامی عدالت اصحاب و وقوع پدیده همانندسازی در روایات به‌منظور نمایاندن تصویری مشابه از جنگ‌های پیامبر (ص) و فتوحات خلفا، این نتیجه حاصل گشت که نسل‌های پس از صحابه به‌منظور توجیه اقدامات خلفا به‌عنوان مصداقی از جنگ‌های ابتدایی که از سوی مقدس‌ترین اشخاص به وقوع پیوسته بود، در جستار مستمسکی دینی بودند تا در سایه‌سار آن، مشروعیت فتوحات اثبات و اساسی‌ترین باور کلامی آنان نیز خدشه‌دار نگردد. از این روی، با اتکا بر سیره نبوی و همانندسازی گزاره‌های حدیثی همچون روایت مورد بحث، جنگ‌های پیامبر (ص) را اقدامی تهاجمی نمایانده و لذا پیامد ناگوار حاصل از فتوحات را به کل خنثی نمودند. این نگره - وجود جهاد ابتدایی - در قالب روایت و آموزه‌ای دینی تا مدت‌های مدید در منابع روایی اهل سنت دست‌به‌دست گشته و نهایتاً از طریق مشایخ سنی‌مذهب و اثرپذیری عالمان شیعه از فضای جمودآمیز آن دوره، در مصادر روایی و فقهی شیعیان نیز انتقال یافته است. از این روی، درج روایت را تقریباً در تمامی منابع اهل سنت و سپس انتقال آن به منابع شیعی، از نیمه دوم قرن سوم تا آغاز سده پنجم هجری توسط شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) و

شیخ الطائفه (م. ۴۶۰ق) به ترتیب در مجامع روایی و فقهی شیعه می‌توان شاهد بود. به دیگر بیان، نقل روایت در مکتوبات روایی شیخ صدوق، زمینه اعتمادبخشی بر شیخ طوسی را فراهم نموده و ایشان نیز گزاره مزبور را در آثار تألیفی خود منعکس نموده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابن‌ابی‌الحدید، محمد بن عبدالحمید (۱۹۶۱/۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد أبو‌الفضل إبراهیم، ۲۰ جلد، بیروت: دار‌احیاء کتب العربیه.
- ابن‌اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶). الکامل فی التاریخ، ۱۲ جلد، بیروت: دارصادر للطباعه و النشر.
- ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷). الصواعق المحرقه، تحقیق کامل‌محمد الخراط، ۲ جلد، لبنان: مؤسسه الرساله.
- ابن حنبل، أحمد بن علی (بی‌تا). المسند، ۶ جلد، بیروت: دارصادر.
- ابن‌سعد، محمد (بی‌تا). الطبقات الکبری، ۸ جلد، بیروت: دارصادر.
- ابن‌عدی، عبدالله (۱۴۰۹). الکامل، تحقیق یحیی مختار غزوی، ۷ جلد، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- ابن‌عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، ۷۰ جلد، بیروت، دارالفکر للطباعه النشر و التوزیع.
- ابن‌کثیر، إسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). البدایه و النهایه، تحقیق علی شیری، ۱۴ جلد، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی.
- ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۵). زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام، ترجمه هاشم رسولی، ۲ جلد، تهران: کتابچی.
- ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۸۳). السیره النبویه، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، ۴ جلد، قاهره: مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.
- ابوریه، محمود (بی‌تا). أضواء علی السنه المحمديه، بی‌جا: نشر البطحاء.
- ابویعلی، أحمد بن علی (۱۴۱۲). مسند ابی‌یعلی، تحقیق حسین سلیم أسد، ۱۳ جلد، بی‌جا: دار‌المأمون للتراث.
- ابراهیم‌حسن، حسن (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۳ جلد، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (بی‌تا). فتوح البلدان، تحقیق دکتر صلاح‌الدین المنجد، ۳ جلد، قاهره: مکتبه النهضه المصریه.

- بلاغی، محمدجواد (۱۴۳۱). *الرحله المدرسيه و المدرسه السياره فى نهج الهدى*، تحقيق محمد الحسنون، اجلد، قم: مركز العالی للعلوم و الثقافه الإسلاميه.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴). *السنن الکبری*، تحقيق محمد عبدالقادر العطا، ۱۰ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پورت، جان دیون (۱۳۳۴). *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، ۱ جلد، تهران: شرکاء،
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳). *سنن الترمذی*، تحقيق عبدالرحمن محمدعثمان، ۵ جلد، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). *إثبات الهدایه بالنصوص و المعجزات*، ۵ جلد، بیروت: اعلمی.
- حسن‌بگی، علی (۱۳۸۶). «فتوحات پس از رحلت پیامبر(ص) زمینها و پیامدها»، مشکوه، شماره ۹۴.
- حسن‌بگی، علی (۱۳۹۳). «واکاوی تأثیر باور کلامی مورخان مسلمان بر همانندسازی میان جنگ‌های خلفاء با جنگ‌های پیامبر اسلام (ص)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی - کلامی*، سال چهارم، شماره ۱۵.
- حسن‌بگی، علی (۱۳۹۵). «شیوه‌های همانندسازی در حدیث و رهیافتی بر روش‌های تشخیص آن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی «تحقیقات علوم حدیث و قرآن» دانشگاه الزهراء(س)*، سال سیزدهم، شماره ۴.
- حسن‌بگی، علی؛ مهدوی‌فرد، امیرعباس (۱۳۹۷). «واکاوی دیدگاه اهل‌بیت(ع) به فتوحات صدر اسلام با رویکرد تاریخی-حدیثی»، *مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی - پژوهشی*، سال دوم، شماره ۲.
- حسن‌بیگی، محمد؛ محمدی، رضا و زارعی، علی (۱۳۹۸). «جایگاه قرآن کریم در تحلیل فتوحات اعراب مسلمان در ایران»، *مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی پژوهشی*، سال سوم، شماره ۹.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، ۷ جلد، بیروت: دارصادر.
- رضا، محمدرشید (۱۹۹۰/۱۴۱۴). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، ۱۲ جلد، بیروت: دارالمعرفه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۴۸). *کارنامه اسلام*، ۱ جلد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سجستانی، سلیمان بن الأشعث (۱۴۱۰). *سنن أبی داود*، تحقيق سعید محمد اللحام، ۲ جلد، بی‌جا: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- شافعی، محمد بن إدريس (۱۴۱۰). *الأُم*، ۸ جلد، بیروت: دارالمعرفه.

- شیرین کارموحد، محمد؛ اکبری، محسن (۱۳۹۵)، «بازخوانی آراء مفسران سده اخیر در آیات جهاد»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هفتم، شماره ۲۷.
- صالحی نجف آبادی، نعمه‌الله (۱۳۸۲). جهاد در اسلام، ۱ جلد، تهران: نشر نی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، ۲ جلد، تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۲). ترجمه عیون أخبار الرضا (ع)، ترجمه علی اکبر غفاری؛ حمیدرضا مستفید، ۲ جلد، تهران: نشر صدوق.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا). المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ۲۰ جلد، بی جا: دار احیاء التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الطبری، ۸ جلد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهيم، ۱۲ جلد، بیروت: روائع التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا / ۱۳۸۷). المنسوط، تحقیق محمدباقر بهبودی، ۸ جلد، تهران: المکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایه، ۱ جلد، بیروت: دارالکتاب العربی.
- علامه حلی، جمال الدین حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء (ط.ج)، ۱۴ جلد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
- غزالی مصری، محمد (۱۳۶۳). محاکمه «گلدزیهر صهیونیست»، ترجمه صدر بلاغی، ۱ جلد، بی جا: انتشارات حسینییه ارشاد.
- غلامی، یوسف (۱۳۷۹). «فتوحات دوره خلفاء انگیزه‌ها و پیامدها»، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۴۷.
- قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۴۰۹). الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ۲ جلد، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، ۲ جلد، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری؛ محمد آخوندی، ۸ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کوفی، أحمد بن أعثم (۱۴۱۱). الفتوح، تحقیق علی شیری، ۸ جلد، بیروت: دارالأضواء للطباعه و النشر و التوزیع.

- مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح (۱۴۲۹). شرح فروع الکافی، تحقیق محمدجواد محمودی؛ محمدحسین درایتی، ۵ جلد، قم: دارالحدیث للطباعه و النشر.
- مبارکفوری، عبدالسلام (۱۴۲۲). سیره الإمام البخاری، تحقیق دکتور عبدالعلیم بن عبدالعظیم البستری، ۲ جلد، مکه: دارالعلم الفوائد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار ۱۴ (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ۲۸ جلد، بی جا: صدرا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). البدء و التاریخ، ۶ جلد، بی جا: مکتبه الثقافه الدینییه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ۲۷ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نیکزاد، عباس (۱۳۸۶). «عدالت صحابه در تراوی تحقیق»، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۵). المغازی، تحقیق الدکتور مارسدن جونس، ۲ جلد، بی جا: نشر دانش اسلامی.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). کتاب سلیم بن قیس هلالی، تحقیق محمد انصاری، ۲ جلد، قم: الهادی.
- هیوم، رابرت ارنست (۱۳۶۹). ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ۱ جلد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR

Scientific Journal, Scientific Research Article

Vol. 5, Issue 4, No.18, winter 2021

The Role of Events in the Emergence of Hadith: the Case of Conquests of Early Islam and the Hadith of "I have been ordered to fight against the people"

*Ali Hassanbegi; *Fatemeh Dastranj; **Fatemeh Ahmadi****

Abstract

The conquests of the early Islam are considered among the important events, the consequences of which have left important effects on the material and spiritual lives of Muslims. On the other hand, the impact of these prominent events on the field of hadith studies cannot be ignored. Therefore, the present research tried to examine the question of the effectiveness of the actions of the caliphs, as influential events in the history of Islamic government, in hadiths, and the role played by the conquests in the creation of the hadith of "I have been ordered to fight against the people". It should be mentioned that the historical course of the works about the conquests shows the great attention scholars have paid to them. However, the lack of hadith studies about the origin of the aforementioned narration reveals the necessity of addressing it. Therefore, in this article, an attempt has been made to overcome some of the existing shortcomings by answering the question of the effects of conquests on the contexts of the creation of narrations. By adopting a theoretical approach, this descriptive-analytical study reached the conclusion that through the theory of the justice of the Companions of the Prophet, as an example of the kalāmi belief of Sunnis, we can witness the range of forged or replicated narrations. In other words, the effects of evens and kalāmi beliefs on writings, including replicating narrations, are undeniable, and were

* Associate Professor, Department of Theology-Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Arak University; Email: a-hasanbagi@araku.ac.ir

** Associate Professor, Department of Theology-Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Arak University; Email: f-dastranj@araku.ac.ir

*** Corresponding author: MA Student of Theology-Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Humanities, Arak University; Email: ahmadi.fatemeh2030@gmail.com

[Received: 21 March 2022; Accepted: 3 July 2022] DOI:10.29252/HSOW.5.4.119|

explicated in this study via a number of examples. Reproducing the wars of the Prophet (PBUH) and the Caliphs by generations following the Companions of the Prophet, in order to justify the conquests as an example of the primary wars and also to strengthen the theory of "justice of the Companions of the Prophet", has more than ever provided the grounds for the origin of the narration.

Keywords: conquests of the early Islam, the hadith of "I have been ordered to fight against the people", justice of the Companions of the Prophet, replication, justificationism.

